



## صورت‌بندی گفتمان و استراتژی‌های زبانی داستان «پسرک لبوفروش» صمد بهرنگی با رویکرد تحلیل گفتمان لاکلا و موف

علی صفایی سنگری<sup>۱</sup>

علیرضا نیکویی<sup>۲</sup>

امیرحسین مغیث<sup>۳</sup>

### چکیده

صمد بهرنگی، از نویسندگان سرشناس دهه ۱۳۴۰ ایران است که موضوعات اجتماعی دوران خود را در قالب داستان‌های کودک و نوجوان به روایت گذاشته و برخلاف گفتمان خنثی و تسلیم‌طلبانه حاکم بر آثار معاصر، مخاطبان خود را به مبارزه با وضعیت موجود تحریک می‌کند و می‌کوشد مسیر جدیدی را در داستان‌نویسی کودک و نوجوان بگشاید. در این پژوهش گفتمان داستان «پسرک لبوفروش» صمد بهرنگی را با توجه به نظریه تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار داده‌ایم تا مشخص شود که کدامیک از عوامل فرامتنی و متنی در صورت‌بندی گفتمان آن نقش داشته‌اند و بافت سیاسی - اجتماعی دهه ۴۰ تا چه اندازه در تولید متن دخیل بوده است؟ این پژوهش با رویکرد «تحلیل گفتمان لاکلا و موف» و با روش «توصیفی - تحلیلی» انجام شده است. در این داستان، گرایش سیاسی - اجتماعی صمد بهرنگی سهم عمده‌ای در به چالش کشیدن گفتمان تحولات اجتماعی و اقتصادی مهمی چون برنامه اصلاحات ارضی و پیامدهای آن داشته است. همچنین بروز گفتمان رقیب در قالب برخی ابزارهای تحلیل گفتمان چون برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی، غیریت‌سازی و استراتژی‌های زبانی دیده می‌شود.

**کلیدواژه:** صمد بهرنگی، پسرک لبوفروش، تحلیل گفتمان، زبان.

✉ safayi.ali@gmail.com

✉ alireza\_nikouei@yahoo.com

✉ ah\_moghiss@yahoo.com

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

۳- دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی گیلان

## ۱- مقدمه

مطالعات زبان‌شناسی با بررسی صورت‌های زبانی آغاز شد و با پرداختن به کارکردهای زبان در زندگی روزمره ادامه یافت؛ سپس نظریه‌پردازان زبان‌شناسی انتقادی جنبه‌های سیاسی، شناختی و ایدئولوژیکی را وارد بررسی‌های زبانی کردند و رابطه متقابل زبان و جامعه را مورد توجه قرار دادند. این رویکرد تحت تأثیر چرخش استعلایی زبان و اصالت یافتن آن در پژوهش‌های فلسفی و اجتماعی به این نظریه منتهی شد که اساساً هستی در گستره زبان معنا می‌یابد لذا در پی بررسی جنبه‌های این ارتباط برآمدند و بدین ترتیب زبان محور تمامی تحلیل‌های معرفتی قرار گرفت.

ظهور نظریه گفتمان نتیجه اهمیت یافتن زبان، معنا و زندگی روزمره در علم و فلسفه متأخر است و «هدفش فهم امر اجتماعی است، به مثابه برساختی اجتماعی. از دیگر سو، ایده گفتمان این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز کامل نیستند. معانی هیچگاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و این امر راه را برای کشمکش‌های همیشگی اجتماعی بر سر تعاریف جامعه و هویت بازمی‌گذارد که خود تأثیرات اجتماعی به همراه دارد و وظیفه تحلیلگران گفتمان نشان دادن جریان این کشمکش‌ها بر سر تثبیت معنا در تمامی سطوح امر اجتماعی است» (فلیپس و یورگنسن، ۱۳۸۹: ۵۴). در ادامه نظریه‌پردازان پساساختارگرا گفتمان را با عناصر تحلیلی دیگر از جمله قدرت و ایدئولوژی درآمیختند. فوکو نظریه‌پردازی است که محور مطالعات خود را گفتمان قرار داده و در قالب آثاری چون تاریخ جنون، پیدایش کلینیک، نظم اشیا، مراقبت و تنبیه، تاریخ جنسیت و نظم گفتار جوانب مختلف نظریه خود را مطرح کرده است. وی «موضوع اصلی تحلیل خود را در بررسی گفتمان‌ها «گزاره یا حکم» (statement) معرفی می‌کند (فوکو، ۱۹۷۲: ۲۴). گزاره، نوعی نقش و کارکرد زبانی است که پیشتر مورد توجه قرار نگرفته است (دریفوس و رایینو، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

نظریه‌پردازان فراوانی با ارائه الگوهای تحلیل متن درصدد ملموس و عینی ساختن نظریه گفتمان فوکو برآمده‌اند که از آن میان می‌توان به وندایک، وداک، فرکلاف، لاکلا و موف اشاره کرد که با تحلیل متن براساس ابزارهای زبانی و فرازبانی به شناخت جدیدی از متن دست می‌یابیم.

## ۱-۱- بیان مسأله

محمدرضا پهلوی در دوره سلطنت خود سه کتاب نوشته است که محورهای اصلی گفتمان‌سازی نظام حاکمیت هستند؛ این سه موضوع عبارتند از: ۱- تلاش برای احیای عظمت گذشته، با نوشتن کتاب «مأموریت برای وطنم» در سال ۱۳۳۹، ۲- ایجاد رفاه اجتماعی و انجام دادن اصلاحات، با اقداماتی نظیر تأسیس بانک رفاه کارگران در سال ۱۳۳۸ و نوشتن کتاب «انقلاب سفید» در سال ۱۳۴۵، ۳- پیشرفت و مدرنیسم، با نوشتن کتاب «به سوی تمدن بزرگ». از سوی دیگر، مخالفان معتقد بودند که حکومت در لوای گفتمان خود، می‌خواهد تسلطش را بر جامعه افزایش دهد تا به اهداف خود برسد لذا گفتمان‌های گوناگونی در برابر گفتمان غالب پدید آمد.

گفتمان‌های رقیب در قالب نیروهای مردمی و روشنفکر با گرایش‌های فکری مختلف (جبهه ملی، حزب توده، جریان سوم و ...) و اهداف متفاوت سعی در نقد اقدامات حکومت داشتند و اکثریت با ارائه راه‌حل‌های گوناگون یا توصیف وضع موجود، خواهان تصحیح روش‌ها، تعدیل در تصمیم‌گیری‌ها و حتی مشارکت در اداره امور مملکت بودند. گفتمان‌های رقیب از خرده‌گفتمان‌هایی چون: گفتمان دینی، ملی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر پذیرفته‌اند. یکی از گفتمان‌های شاخصی که در عصر پهلوی و خصوصاً در دهه ۱۳۴۰ به وجود می‌آید و با سایر گفتمان‌ها تفاوت اساسی دارد، گفتمانی است که مارکسیست‌ها و گروه‌های چپ و راستی چون صمد بهرنگی و نویسندگان اسلامی دارند و با برجسته‌سازی نظام طبقاتی جامعه و تقابل فقر و غنا، در برابر گفتمان مسلط بر جامعه مقابله می‌کنند و با زبان تمثیل و نماد موضوع مبارزه مسلحانه و نفی وضعیت موجود را مطرح می‌کنند.

صمد بهرنگی از داستان نویسان دهه چهل ایران به شمار می‌آید که در داستان‌هایش رنج و ستمی را که طبقه سرمایه‌دار در شکل‌های گوناگون بر جامعه تحمیل کرده، به تصویر کشیده است و از مخاطبان خود می‌خواهد که با جهل، فقر، محرومیت و فشار اجتماعی که نشأت گرفته از روش‌های غلط اقتصادی نظام حاکم است، مبارزه کنند و تا براندازی گفتمان غالب پیش بروند. نکته قابل توجه این است که گفتمان داستان «پسرک لبوفروش» در زمانی شکل گرفته، که گفتمان حاکم بر نوشته‌های معاصرش، گفتمانی خنثی، تسلیم طلبانه و یا حداکثر توصیف وضعیت نابسامان اجتماعی است و صمد کوشیده تا از این طریق گفتمانی جدید در جامعه با استفاده از قالب داستان به وجود آورد.

این پژوهش با رویکرد «تحلیل گفتمان لاکلا و موف» و با روش «توصیفی-تحلیلی» انجام شده است و نشان داده‌ایم که چگونه یک متن مولود بافت زمانه خویش است و کدام استراتژی‌های زبانی در آن به کار رفته، کدام عوامل اجتماعی دهه ۱۳۴۰، بیشترین تأثیر را در تولید داستان «پسرک لبوفروش» داشته‌اند و کدام ابزارهای گفتمان‌ساز در این داستان دیده می‌شود و چگونه وجه گفتمان غالب (اصلاحات ارضی و پیامدهای آن) به چالش کشیده شده است. لازم به یادآوری است که مفاهیم نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف، مناسب تحلیل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی در سطح کلان هستند و در سطح خرد نیز از برخی ابزارهای تحلیل انتقادی گفتمان نظریه فرکلاف (سطح توصیف و تفسیر) استفاده کرده‌ایم.

## ۱-۲- پیشینه پژوهش

- مقاله‌ای با عنوان (نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن، ۱۳۹۰) در فصلنامه معرفت فرهنگی و اجتماعی با نگارش محمدتقی مقدمی؛ نویسنده ضمن معرفی این رویکرد، انتقاداتی از چشم‌انداز حکمت اسلامی بر این نظریه وارد دانسته است.

- مقاله‌ای با عنوان (گفتمان، قدرت و زبان در قصه‌های بهرنگی از دیدگاه تاریخ‌گرایی نوین، ۱۳۹۱) به قلم فاطمه محمودی تازه‌کند در فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی نشان می‌دهد که چگونه صمد بهرنگی با

قصه‌های کودکانه و از زبان بی‌زبان‌ها (مانند کلاغ و عروسک)، رابطه متقابل زبان و قدرت را به تصویر کشیده است.

- مقاله‌ای با عنوان (کودکانه‌های سیاسی صمد، ۱۳۹۳) از سیدجواد طباطبایی و نگین نوریان دهکردی در پژوهشنامه علوم سیاسی چنین مطرح می‌کند که طرح مسائل سیاسی به زبان کودکانه بیانگر ناکارآمدی حوزه عمومی و عدم بلوغ سیاسی در ایران است و صمد نه به‌عنوان نویسنده کودک بلکه همچون «معلم توده‌ها» درصدد ترویج اندیشه‌های خود است.

- همچنین مقالات و نقدها و میزگردهایی در کتاب ماه ادبیات کودک و نوجوان در سال ۱۳۸۲ (شماره‌های ۶۷، ۶۸، ۸۲)، درباره ویژگی‌ها و موضوعات داستان‌های صمد نوشته شده که گوشه‌هایی از توان نویسندگی او را نشان می‌دهد اما تاکنون داستان «پسرک لب‌فروش» با توجه به نظریه تحلیل گفتمان - رویکرد لاکلا و موف - مورد بررسی قرار نگرفته است.

### ۱-۳- تحلیل گفتمان

گفتمان (Discourse) در بُعد نظریه معنایی ریشه در زبان‌شناسی ساختارگرای سوسوری دارد و از جهت نظریه اجتماعی نظریه‌ای است با چندین آبخور فلسفی در سنت غرب همانند مارکسیسم، ساختارگرایی، واسازی دریدا، پدیدارشناسی هوسرل و روان‌کاوی لاکان. تفاوت عمده‌اش با شیوه‌های پیشین، در نحوه شکل‌گیری معنا و حقیقت است و بیشتر به مفاهیمی چون تعارض، غیریت‌سازی، قدرت و هژمونی توجه دارد. «گفتمان» تعیین‌کننده آن واقعیتی است که ما درک می‌کنیم. گفتمان به شیوه درک ما از واقعیت شکل می‌دهد (میلز، ۱۳۸۹: ۲۲). یک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاصی شکل می‌گیرد (لاکلا و موف، ۱۹۸۵: ۱۱۲) و کلیتی است که در آن هر نشانه‌ای در قالب یک بُعد و به‌واسطه رابطه‌اش با سایر نشانه‌ها تثبیت شده است. این عمل از طریق طرد (Exclusion) تمامی سایر معناهایی که نشانه می‌توانست داشته باشد، انجام می‌گیرد؛ یعنی کلیه روابطی که ممکن است نشانه‌ها با یکدیگر داشته باشند (یورگنسن و فلیپس، ۱۳۸۹: ۵۷).

فوکو، شاخص‌ترین نظریه‌پرداز گفتمان، در تعریف آن می‌گوید: «گفتمان متشکل از تعداد محدودی احکام است که می‌توان برای آنها مجموعه‌ای از شرایط وجودی را تعریف کرد» (فوکو، ۱۹۷۲: ۱۱۷). نکته مهم در نظریه گفتمان فوکو «قدرت» است. وی معتقد است که «قدرت ساختار واحد و منشأ بخصوصی ندارد. قدرت از طریق سازمان شبکه‌ای عمل می‌کند و اعمال می‌شود و افراد نه تنها در میان تارهای این شبکه در گردش هستند، بلکه همواره در وضعی قرار دارند که هم به قدرت تن می‌دهند و هم آن را اعمال می‌کنند» (فوکو، ۱۹۷۲: ۲۷). عمومی‌ترین مفهومی که از نظر فوکو قدرت به واسطه آن مولد می‌شود، دانش است. دانش در تأیید بدن‌ها و ذهن‌های مطیع دخالت دارد (نش، ۱۳۹۴: ۳۹). تحلیل فوکو از مؤلف نیز اهمیت خاصی در تحلیل ساختارهای گفتمان دارد، چون از نظر او مؤلف دیگر امضاکننده معنای متن نیست، بلکه نوعی سازمان‌دهنده برای متن است (میلز، ۱۳۸۹: ۹۳).

### ۱-۳-۱- نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف

هر اندیشه با تکیه بر مبانی نظری، در روشی خاص پدیده‌های اجتماعی را تحلیل می‌کند. روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف (۱۹۸۵)، روشی توصیفی-تحلیلی با گرایش پساساختارگرایانه است و با وارد کردن مفاهیمی چون قدرت، سیاست و اجتماع ظرفیت تحلیلی گفتمان را گسترش داده است. «لاکلا و موف با تلفیق دو نظریه مارکسیسم و ساختارگرایی، نظرات خود را در قالب یک نظریه پساساختارگرا مطرح نمودند. مارکسیسم زمینه‌های پرداختن به امر اجتماعی را فراهم می‌آورد و ساختارگرایی نظریه‌ای درباره معنا ارائه می‌نمود» (یورگنسن و فلیپس، ۱۳۸۹: ۵۴).

لاکلا و موف گفتمان را پدیده‌ای زبانی می‌دانند و معتقدند که هیچ امری خارج از گفتمان نیست و جهان و هر چه در آن هست با گفتمان معنادار می‌شود (یورگنسن و فلیپس، ۱۳۸۹: ۲-۱۱۱). اینکه لاکلا و موف می‌گویند، چیزی بیرون از گفتمان وجود ندارد، به معنای انکار وجود جهان فراگفتمانی نیست، بلکه منظور این است که مواد و اشیاء فراگفتمانی بی‌شکل هستند و از این رو قابل دریافت و فهم ما نیستند» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۴). توجه به گفتمان از آن زمان شکل گرفت که سوژه از مرکز تحولات تاریخ و جامعه حذف شد و زبان و عمل اجتماعی مرکز تحلیل تحول، تغییر و بازتولید قرار گرفت. مفاهیم مهمی که در الگوی تحلیل گفتمان لاکلا و موف مورد توجه قرار می‌گیرند، عبارتند از: مفصل‌بندی، دال مرکزی، دال شناور، برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی، غیریت‌سازی، سوژه، موقعیت سوژگی، قدرت، غیریت‌سازی، هژمونی و... که در ادامه پژوهش به تعاریف آنها اشاره می‌شود.

### ۱-۳-۲- تحلیل انتقادی گفتمان

نورمن فرکلان نظریه تحلیل انتقادی گفتمان (۱۹۹۵) را مطرح کرده است که براساس آن روابط گفتمان و تحولات اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه تجربی قرار می‌گیرد و این رویکرد متشکل است از مجموعه‌ای از: ۱- مفروضات فلسفی، ۲- روش‌های نظری، ۳- دستورالعمل روش‌شناختی و فنون خاص تحلیل زبانی (یورگنسن و فلیپس، ۱۳۹۳: ۱۰۹). از نظر فرکلان هر کاربرد زبانی رخدادی ارتباطی است و از سه بعد تشکیل می‌شود: ۱- متن، ۲- عمل گفتمانی، ۳- پراکتیس اجتماعی (یورگنسن و فلیپس، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

واحد تحلیل در نظریه تحلیل انتقادی گفتمان متن است و در این روش مفاهیمی چون ایدئولوژی، نشانه‌شناسی، نظارت و هدایت، قدرت، زبان و گفتمان مورد توجه قرار می‌گیرند. از لحاظ روش‌شناسی تحلیل انتقادی گفتمان، از گشتارها، مجهول‌سازی، گفتار مستقیم و غیرمستقیم، فرآیند اسم‌سازی، گزینش لغوی، انواع انسجام و ساخت وجهی استفاده می‌کند. این رویکرد از ابزارها و مفاهیم زبان‌شناسی صورت‌گرا و نقش‌گرا برای تبیین ایدئولوژی‌های پنهان و منابع قدرت در پشت متون زبانی بهره می‌گیرد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۲۸). در نظریه تحلیل انتقادی گفتمان در سطح بررسی متن، سه ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی که به ترتیب با تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی، رابطه‌ها و ارزشیابی وی از بخشی از واقعیت همراه هستند، مورد توجه قرار می‌گیرند (فرکلان، ۱۳۷۹: ۱۷۲-۱۷۱). امکان دارد که یک یا چند ارزش در یک جا متمرکز شده باشد. همچنین در سطح تفسیر به توضیح روابط موجود در بین فرآیندهایی که باعث

تولید و درک گفتمان مورد نظر می‌شوند، اشاره می‌شود و تأثیر انتخاب‌هایی که در پیکره گفتمان (از لحاظ واژگان، ساخت و ...) مورد بررسی قرار می‌گیرد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

### تحلیل متن

داستان «پسرک لبوفروش»، روایتی خاطره‌گونه از زبان صمد بهرنگی درباره مقاومت و پایداری پسر بچه‌ای به نام «تاری‌وردی» است. او با مادر و خواهرش زندگی می‌کند و برای سیر کردن شکم آنها به هر کار آبرومندانه‌ای دست می‌زند. شخصیت اصلی داستان از بین توده مردم برخاسته و لبوفروش است. تازگی بیان صمد در این است که تا زمان او در داستان‌ها از بچه‌های مورد پسند دنیای بورژوازی سخن می‌گفتند، اما شخصیت‌های داستان وی کودکان پابره‌نه‌ای هستند که با فقر، ظلم و نابرابری دست و پنجه نرم می‌کنند. دال مرکزی (Master Signifier) این داستان، تقابل انسان با زندگی است که در آن فاصله طبقاتی شدیدی وجود دارد؛ «دالی که در بین دال‌ها بتواند انسدادی در معنای خود ایجاد کند، دال مرکزی نامیده می‌شود که تمامی دال‌ها پیرامون آن، مفصل‌بندی (Articulation) می‌شوند» (یورگسن و فلیپس، ۱۳۸۹: ۵۷).

در این داستان، دال‌های شناوری (Floating Signifier) چون فقر، ظلم، بی‌عدالتی، پایداری حقوق انسانی، کارکردن کودکان، عدم بهداشت، رفاه و تحصیل آنان حول دال مرکزی مفصل‌بندی شده‌اند. «مفصل‌بندی را به هر کرداری اطلاق می‌کنیم که میان عناصر مختلف رابطه‌ای ایجاد می‌کند که طی آن، هویت آنها در نتیجه این کردار مفصل‌بندی تغییر می‌کند. کلیتی که در نتیجه این مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان می‌نامیم» (لاکلا و موف، ۱۳۹۲: ۱۷۱) و به عبارت دیگر دال شناور به عنصرهایی گفته می‌شود که به روی انتصاب معانی بازند (لاکلا، ۱۹۹۰: ۲۸). همچنین دال مرکزی گفتمان غالب نیز منفعت‌طلبی حاکمان است. «دارایی‌های محمدرضا پهلوی از منابع گوناگونی به‌دست می‌آمد که مهم‌ترین آنها زمین‌های کشاورزی تصرف شده و تملک شده توسط رضاشاه بود. هرچند در زمان نخست‌وزیری مصدق، خانواده سلطنتی این زمین‌ها را از دست داد، پس از کودتای ۱۳۳۲ آنها را بازپس گرفت (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۵۳۷). همچنین نشانه‌هایی چون اعمال قدرت، خوشگذرانی و بی‌ارزشی رعیت دال شناور گفتمان غالب به حساب می‌آیند.

در داستان «پسرک لبوفروش» سخن از ظلم و بی‌عدالتی است؛ زیرا سرمایه‌دار روستاییان را با دستمزدی اندک استثمار کرده است: «این حاجی‌قلی از شهر آمده بود. صرفه‌اش این بود. کارگران شهری پول پیشکی می‌خواستند و از چهار تومان کمتر نمی‌گرفتند. اما بالاترین مزد در ده ۲۵ ریال تا ۳۵ ریال بود» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۲۷). «اکثریت عظیم روستائینان جزو دهقانان کم زمین بودند. گروه دیگری زیر خط فقر زندگی می‌کردند، کسانی بودند که در روستا شغل خدماتی یا پیشه‌وری مانند سلمانی، گرمابه‌داری، نجاری و آهنگری داشتند. از همه بدتر، کارگران مزدبگیر روستاها بودند که حدود ۷ میلیون خانوار را شامل می‌شدند. بدین ترتیب سطح زندگی اکثریت جمعیت روستایی با اجرای برنامه اصلاحات ارضی بهتر نشد» (فوران، ۱۳۷۷: ۴۷۶-۴۷۷).

فقر، محرومیت و بی‌عدالتی به شکل‌های مختلفی در داستان «پسرک لبوفروش» دیده می‌شوند: الف. نوع بازی‌های کودکانه: «بچه‌ها سگ ولگردی را دوره کرده‌اند و بر سر و رویش گلوله برفی می‌زنند» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۲۸)، ب. وضعیت کفش و لباس: «یک لنگه از کفش‌هایش گالش بود و یک لنگه‌اش از همین کفش‌های معمولی مردانه. کت مردانه‌اش تا زانو می‌رسید» (همان، ۱۲۸)، ج. بهداشت: «من گفتم: ننه‌ات چه‌اش است؟ تاری‌وردی! گفت: پاهاش تکان نمی‌خورد. کدخدا می‌گوید فلج شده» (همان، ۱۲۹)، د. نداشتن سرپرست: «تاری‌وردی درباره پدرش، عسگر قاچاقچی، می‌گوید: اسب سواری خوب بلد بود. آخرش، روزی سر کوه‌ها گلوله خورد و مرد. امنیه‌ها زدنش» (همان، ۱۲۹).

یکی دیگر از دال‌های شناور این داستان حقوق انسانی است. از یک سو حاجی‌قلی دستمزد کمی به کارگران روستایی می‌دهد و از دیگر سو آنان را جزو اموال خود به حساب می‌آورد و نمونه آن رفتاری است که با خواهر تاری‌وردی دارد و می‌خواهد او را صیغه کند «حاجی پونزده زار اضافه داد و گفت: فردا می‌آیم خانه‌تان. یک حرف‌هایی با ننه‌تان دارم» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۱). البته این نکته یادآور این خاطره تاریخی است که رعیت باید در برابر ارباب حالتی منفعلانه داشته باشد. همچنین از گزاره «صیغه کردن» در دو گفتمان غالب و گفتمان داستان، برداشت‌های گوناگونی می‌شود و «طرد حالت‌های ممکن معنایی را که می‌تواند برای یک نشانه وجود داشته باشد، حوزه گفتمان‌نگونی می‌نامند» (لاکلا و موف، ۱۹۸۵: ۱۱۱).

#### ۱- موقعیت سوژگی

در گفتمان غالب داستان «پسرک لبوفروش»، کارگران و استادکارها در موقعیت سوژگی قرار دارند و هم‌خانوادگی دو واژه «رب و ارباب» تشدیدکننده آن وضعیت است. «موقعیت سوژگی (Subject Position) همانند دال‌های شناور است که معنای آنها هرگز به‌طور کامل ثابت نمی‌شود و همیشه در معرض تغییر قرار دارد» (لاکلا و موف، ۱۹۸۵: ۱۱۳). حاجی‌قلی با دارایی و تیزهوشی اقتصادی خود به ده آمده و کارخانه قالی‌بافی را تأسیس نموده است و می‌تواند به هر جای کارخانه سرک بکشد (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۰) و هرطور که بخواهد با کارگران رفتار کند (همان، ۱۳۱ و ۱۳۲). کارگران همچون مهره‌های شطرنجی هستند که حاجی قلی به آنها شکل می‌بخشد و دائم نیز تحت کنترل اویند.

گفتمان در ذهنیت سوژه بذرخودی و غیرخودی یا ما و آنها را می‌کارد و «این قطبیت ناشی از تعارضی است که سوژه میان درون و بیرون احساس می‌کند و ناشی از موقعیت سوژگی است که گفتمان‌ها برای او فراهم می‌آورند و به این ترتیب تعارض میان دو گفتمان، باعث قطبیت شدن ذهن سوژه و بالطبع قطبیت شدن رفتار و گفتار او می‌گردد» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۱۴). در گفتمان داستان «پسرک لبوفروش»، تاری‌وردی و خانواده‌اش همچون کارگران و استادکارهای دیگر در موقعیت سوژگی قرار ندارند و پیش‌برنده آن گفتمان نیستند و در برابر درخواست او ایستادگی می‌کنند «سوژه در نظریه گفتمان لاکلا و موف همان سوژه لاکان است. این سوژه همواره میان آن احساس کمالی که از دوران کودکی در ناخودآگاه خود دارد و هویت‌هایی که از سوی گفتمان‌ها به او تحمیل می‌شود، در تعارض است» (همان، ۱۱۰). پایان داستان «پسرک لبوفروش» و مستقل‌شدن تاری‌وردی و خانواده‌اش، بیان همین کمال‌جویی است که بدان هویت‌یابی نیز گفته می‌شود.

براساس همین ذهنیت دوگانه، کلیه رفتار و کردار سوژه به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که او تمامی پدیده‌ها را در قالب دوگانه ما - آنها می‌ریزد و این دوگانگی به‌صورت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در کردار و رفتار سوژه نمایان می‌شود. بنابراین، هویت‌یابی به‌واسطه غیریت‌سازی و غیریت‌ها به کمک برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شکل می‌گیرد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۱۲). اکنون نمونه‌هایی از این کاربرد را در گفتمان این داستان معرفی می‌کنیم:

## ۲- برجسته‌سازی نقاط ضعف گفتمان غالب

۲-۱- **عدم همسویی کردار و گفتار:** وقتی حاجی‌قلی از سولماز خواستگاری می‌کند، صمد از زبان ننه او به کدخدا می‌گوید: «ما دیگر هرچه دیدیم بسمان است. کدخدا، تو خودت می‌دانی اینجور آدم‌ها نمی‌آیند با ما دهاتی‌ها قوم و خویش راست‌راستی بشوند...» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). «در دوره حکومت محمدرضا پهلوی هم اصلاحات ارضی در ظاهر به منظور توانمندسازی روستائیان و سهمیم کردن آنها در عایدات کار و زمین بود اما عمده‌ترین پیامدش آن بود که دولت قدرت سیاسی خود را جایگزین قدرت زمین‌دار در روستاها کرد. سپاهیان بهداشت، دانش، ترویج و آبادانی، سازمان دولتی نهادهای روستایی و قدرت ژاندارمری نیز هریک به نوعی پایه‌های قدرت مرکزی را در روستاها تحکیم نمودند» (فوران، ۱۳۷۷: ۴۷۷). یا زمانی که تازی‌وردی پس از درگیری بار نخست به کارخانه برمی‌گردد با حاجی‌قلی روبرو می‌شود، حاجی‌قلی به او می‌گوید: «پسر بیا برو تو، کارت ندارم» اما به محض ورود به کارخانه «با مشت و لگد افتاد به جان من و ... آنقدر کتکم زده بود که آتش و لاش شده بودم» (همان).

۲-۲- **القای حس سرمایه‌اندوزی و استثمارگری:** در بیان علت به روستا آمدن حاجی‌قلی می‌خوانیم: «این حاجی‌قلی از شهر آمده بود. صرفه‌اش در این بود» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۲۷). گفتمان داستان می‌خواهد این‌گونه نشان دهد که حاجی‌قلی از جنس مردمان روستا نیست و تنها برای استفاده از نیروی کار ارزان به ده آمده است و همین است که نمی‌توان او را خودی به حساب آورد. «گفتمان‌ها با تشکیل «زنجیره‌های هم‌ارزی» که در آنها نشانه‌ها مرتب می‌شوند، در تقابل با زنجیره‌های دیگر قرار می‌گیرند و هویت را به‌طور «رابطه‌ای» شکل می‌دهند» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۹۱). این موارد به تفاوت بین روستائیان و آنانی که به روستا آمده‌اند، دامن می‌زنند. در دوره حکومت محمدرضا پهلوی نیز با چنین رفتارهایی روبرو هستیم زیرا «شاه و خاندان سلطنت و دربار جزو اولین کسانی بودند که از درآمد سرشار نفت بهره می‌بردند. محمدرضا پهلوی با تأسیس بنیاد پهلوی مدیریت طرح‌های سلطنتی، پرداخت مستمری و مزایای وابستگان و کنترل بخش‌های بزرگ کلیدی نظیر کشاورزی، مسکن، مصالح ساختمانی، بیمه، هتل، اتومبیل، تولید مواد غذایی و چاپخانه را در اختیار گرفت و در ۲۰۷ شرکت سهام داشت. خاندان سلطنتی از ۶۳ شاهپور و شاهدخت، عموزاده، عمه‌زاده، خاله‌زاده و دایی‌زاده تشکیل می‌شد. نظام در فساد، رشوه‌خواری، شره و آز مال اندوزی غرق بود و در رأس این سلسله مراتب اشرف، خواهر شاه، و وزیر دربارش امیر اسدالله علم بودند (فوران، ۱۳۷۷: ۴۶۴).



**۲-۳- رفتار انضمامی:** حاجی‌قلی گاه و بی‌گاه به سولماز لبخند می‌زند: «می‌ایستاد بالای سر ما دو تا و هی نگاه می‌کرد به خواهرم و گاهی هم دستی بر سر او یا من می‌کشید و بیخودی می‌خندید و رد می‌شد» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۱) و ضمن داشتن زن و فرزند در شهر و داشتن چهار زن صیغه‌ای (همان، ۱۳۲) بازهم می‌خواهد سولماز، خواهر تاری‌وردی، را نیز صیغه کند. در جای دیگر داستان صمد از زبان رضاقلی، دانش‌آموز مدرسه، می‌گوید: «آقا، حاجی‌قلی بی‌شرف خواهرش را اذیت می‌کرد. با نظر بد بش نگاه می‌کرد، آقا» (همان) و این گونه به نقطه ضعف گفتمان غالب اشاره می‌کند. آنچه که در گفتمان داستان «پسرک لبوفروش» دیده می‌شود، تک‌گویی (Monologism) است؛ یعنی فروکاستن مفاهیم و آگاهی‌های موجود در یک متن به روایت واحدی که نویسنده به متن تحمیل می‌کند. در تک‌گویی، آگاهی‌ها یا ایدئولوژی‌ها جایگاهی برابر و هم‌ارز آگاهی و ایدئولوژی نویسنده ندارند، بلکه یا انکار می‌شوند یا به مخرج مشترک تقلیل می‌یابند. در متون تک‌گویی، نویسنده قدرت دارد که متناسب با دیدگاه خود حقیقت را ابلاغ کند؛ در نتیجه نویسنده مفاهیم متون را در آنچه با اهداف خود همسانی دارد، محدود می‌کند (مکاریک، ۱۳۹۰: ۹۹-۹۸).

**۲-۴- بذل و بخشش‌های هدفمند:** در داستان می‌خوانیم: «یک روز پنجشنبه که مزد هفتگی‌مان را می‌گرفتیم، یک تومن اضافه به خواهرم داد» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۱)؛ «حاجی آقا پونزده زار اضافه داد و گفت: فردا می‌آیم خانه‌تان. یک حرف‌هایی با ننه‌تان دارم» (همان). این پول‌های اضافه با هدف مطیع کردن خانواده تاری‌وردی در برابر خواسته‌اش است و در جایی از داستان هم می‌گوید: «برای تو و ننه‌ات نیست ... آن وقت پونزده زار را برداشت و خواست تو دست خواهرم فروکند» (همان) و براحتی قصد خود را از پرداخت پول اضافی بیان می‌کند و گفتمان حاکم بر داستان می‌خواهد با این وضعیت روحیه سودجویانه حاجی‌قلی را نمایان سازد. در عصری که این داستان متولد می‌شود، گفتمان غالب با بخشش زمین‌های دیگران در پی فرصت‌طلبی و نفوذ نامحسوس به خانه‌های کشاورزان است تا بتواند به قول فوکو با آمار گرفتن‌ها و فرم مشخصات پرکردن از آنان، سراسرینی بیافریند. در حقیقت تمامی اقداماتی که در راستای اصلاحات انجام می‌شود، به جای آن وضعیت اقتصادی کشور را بهبود بخشد، پایه‌های حکومت محمدرضا پهلوی را مستحکم می‌سازد.

**۲-۵- وابستگی به شهر:** «این حاجی‌قلی از شهر آمده بود» و با بیان نیت مهاجرت وی به روستا، سبب برجسته‌سازی نقطه ضعف گفتمان وی و غیریت‌سازی می‌شود. رشد و گسترش تجارت در دوره حکومت محمدرضا پهلوی در نتیجه ورود شرکای تجاری است که منافع کلی عاید آنها می‌شود و ویرانی اقتصادی و به جای ماندن وام‌های فراوان گریبان‌گیر کشور می‌گردد، «تنعمات شهری نتیجه درآمد نفت است که عاید سرمایه‌داران و بازرگانان می‌شود که همکار و طرف معامله کمپانی‌های خارجی می‌باشند. این کمپانی‌ها مضمحل‌کننده صنایع دستی، کارخانه‌های تازه‌پا و سرمایه‌داری کوچک محلی هستند. سرانجام این افراد، کارگرانی در خدمت تراست‌های بزرگ استعمار است که ناخواسته به او کمک می‌کنند» (جلال آل احمد، ۲۵۳۶: ۸۷).

**۲-۶- بورژوازی:** واژه کارخانه و سرمایه‌دار از واژه‌های محوری گفتمان این داستان در برجسته‌سازی نقاط ضعف گفتمان غالب است و واژه‌های ایدئولوژیک هستند. «ایدئولوژی به مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های عمومی گفته می‌شود که ممکن است افراد از آن خودآگاهی نداشته باشند، ولی اعمال و رفتار آنها در داخل این نظام شکل خاصی به خود می‌گیرد و گفته نظام‌مند آنها با توجه به همین ایدئولوژی تبیین و توجیه می‌شود و معنای خاص خود را پیدا می‌کند» (پارمحمدی، ۱۳۹۳: ۹). این واژگان فاصله طبقاتی را نیز نشان می‌دهند.

**۲-۷- کاربرد عبارات وصفی:** صمد در توصیف حاجی‌قلی می‌نویسد: «عین یک خوک گنده، چاق و خپله، پیر و پاتال، پیر کفتار، قرمساق بی‌شرف» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۲ و ۱۳۳). این واژگان و ترکیب‌های به‌کاررفته در گفتمان داستان، در نظریه تحلیل انتقادی گفتمان ارزش تجربی دارند، زیرا دارای رابطه معنایی هستند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۳) در جای دیگر داستان نیز می‌خوانیم: «چاق و خپله با یک ریش کوتاه سیاه و سفید، یک دست دندان مصنوعی که چندتاش طلاست و یک تسبیح دراز در دستش» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). مقایسه توصیفاتی که داستان درباره حاجی‌قلی و تاری‌وردی دارد، نمایانگر غیریت‌سازی و حاشیه‌رانی گفتمان غالب است.

### ۳- نقاط قوت گفتمان رقیب

**۳-۱- اخلاق مداری:** تاری‌وردی در بخش‌های مختلف داستان، وقتی که با معلم خود سخن می‌گوید از عبارت «می‌بخشی آقا، مرا» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۲) استفاده می‌کند و یا وقتی که در پایان داستان، صمد پس از سال‌ها او را می‌بیند و می‌پرسد: «آخرش چه‌پزیه خواهرت را جور کردی؟»، او در پاسخ چنین شرمگینانه می‌گوید: «آره. عروسی هم کرده ... حالا هم دارم برای عروسی خودم پول جمع می‌کنم ... بی‌ادبی شد، می‌بخشی‌ام، آقا» (همان، ۱۳۳). واژه‌ها و عبارات یاد شده ایدئولوژیک هستند.

**۳-۲- مناعت طبع:** تاری‌وردی به آقا معلم می‌گوید: «لبو میل داری، آقا! و بی‌آن که منتظر جواب من باشد، رفت سر لبوهاش و دستمال چرک و چند رنگ روی ظرف کشک سابی را کنار زد و ... لبویی انتخاب کرد و داد دست من» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۲۸) و «از من پول نگرفت. گفت: این دفعه مهمان من، دفعه دیگر پول می‌دهی. نگاه نکن که دهاتی هستیم، یک کمی ادب و این‌ها سرمان می‌شود، آقا» (همان، ۱۲۹). قهرمان داستان در دنیای دوره‌گردی فقیرانه خود سخاوتمند و بلند طبع است و این‌چنین گفتمان رقیب را در برابر منفعت‌طلبی‌های حاجی‌قلی برجسته می‌شود. حتی وقتی که حاجی‌قلی به این دو کارگر کوچک پول اضافی می‌دهد، مادرشان آنها را از پذیرش آن پول‌ها منع می‌کند و در آخرین باری که حاجی‌قلی می‌خواهد به او پول اضافی بدهد، تاری‌وردی می‌گوید: «حاجی آقا، ما پول اضافی لازم نداریم. ننه‌ام بدش می‌آید» (همان، ۱۳۱) و بدین‌گونه نشان می‌دهد که در عین نیاز و فقر و محرومیت مناعت طبع دارد و از پذیرش پولی که نیتی

بدنبال اوست و کاری بابتش انجام ندانده، استنکاف می‌ورزد، گفتمان این داستان به هم ارزی روحیه مادر، سولماز و تاری وردی می‌پردازد و از سوی دیگر تفاوت نگاهشان را با حاجی‌قلی نمایش گذاشته است.

**۳-۳- روستازادگی:** قهرمان داستان به هویت روستایی خود اشاره می‌کند، «نگاه نکن که دهاتی هستیم، یک کمی ادب و این‌ها سرمان می‌شود، آقا» (همان، ۱۲۹) و این نکته، سبب برجسته شدن عنصر روستایی در برابر شهری بودن می‌شود. «با سیاست‌های نادرستی که در اصلاحات ارضی صورت گرفت، اقتصاد مبتنی بر کشاورزی تبدیل به اقتصادی سرمایه‌داری شد و تولید که می‌توانست زمینه‌ساز رفع مشکلات طبقه فقیر جامعه شود به تجارت و بازرگانی مبدل گردید و مصرف‌گرایی جانشین آن گردید. این پدیده بر فاصله بین روستا و شهر عمق بخشید و در گفتمان داستان «پسرک لیوفروش» بر هویت روستایی تأکید می‌شود. نکته مهم این است که روستایی به خواسته حاجی‌قلی جواب مثبت نمی‌دهد که این برخورد، برداشتی است که در جامعه جریان دارد، «مقاومت منفی و ابراز نارضایتی پنهانی در میان دهقانان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ رو به گسترش نهاد که خود نشانه شکست نهایی رژیم در پیشبرد هدف‌های سیاسی و ایجاد طبقه وسیعی از وفاداران به نظام در روستاها بوده است» (فوران، ۱۳۷۷: ۴۷۸).

**۳-۴- توصیف با رویکرد اقتصادی:** در توصیف ظاهر قهرمان دوازده‌ساله داستان چنین می‌خوانیم: «شال نخی کهنه‌ای بر سر و رویش پیچیده بود. یک لنگه از کفش‌هاش گالش بود و یک لنگه‌اش از همین کفش‌های معمولی مردانه. کت مردانه‌اش تا زانوهایش می‌رسید، دست‌هایش توی آستین کتش پنهان می‌شد. نوک بینی‌اش از سرما سرخ شده بود» (همان، ۱۲۸). با این توصیف به نهایت ظلم و بی‌عدالتی و محرومیت‌هایی که بر مردم روا داشته‌اند، اشاره دارد. این رویداد در زمانی اتفاق افتاده که درآمد سرشار نفت چنان وضع اقتصادی حاکمان را دگرگون ساخته که شعار رسیدن به دروازه‌های تمدن را می‌دهند و از سویی وضع مردم عادی چنین است که توصیف شد و مبنای غیربیت‌سازی گفتمان غالب می‌شود.

#### ۴- مکان در گفتمان رقیب

##### الف: مدرسه

گفتمان رقیب از مدرسه آغاز می‌شود. «لویی آلتوسر معتقد است که محتوای آموزشی و نهاد تعلیم و تربیت نمی‌تواند خنثی باشند» (اسمیت، ۱۹۹۸: ۹۲). «رفتارهای گفتمانی مادامی که به حفظ، تأثیر یا تضعیف روابط قدرت یاری برسانند، بار ایدئولوژیک دارند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۱). مدرسه در گفتمان غالب محلی است که دانش‌آموزان را فقط منظم و سر به راه می‌خواهد اما در گفتمان داستان، مدرسه باید به آنها درس چگونه زیستن، ایستادگی در برابر استعمار و آگاهی از حقوق انسانی بیاموزد. صمد در کتاب «کندوکاوی در مسائل تربیتی ایران» به بررسی زوایای این نهاد ایدئولوژیک می‌پردازد؛ وی می‌گوید: «به جای آن‌که [در کتاب‌های درسی و بخشنامه‌ها] درباره برپایی (Homrroom) در مدرسه بنویسید و سخن بگویید، به دانش‌آموزان روستایی کاغذ و مداد و یک جفت کفش و جوراب برای برف و سرمای زمستان لطف کنید و آموزش سرخ

کردن ساندویچ و با قاشق و چنگال خوردن ماکارونی ایتالیایی پیشکشتان (صمد بهرنگی، ۱۳۷۷: ۲۹) به عبارت دیگر یا آموزش را تعطیل کنید و یا برای تغییر در موضوع و نحوه آموزش مصمم باشید.

در مدرسه‌ای که صمد توصیف می‌کند، کتاب‌هایی تدریس می‌شوند که با روحيات مخاطبان روستایی خود منطبق نیست و «درد اینجاست که ما مسأله‌ها و مشکل‌های تربیتی و فرهنگی خود را فراموش می‌کنیم، یا از آنها بی‌خبریم و یا ندیده‌شان می‌گیریم و می‌رویم پی مشکلاتی که تنها برای محیط‌های تربیتی بی‌نقص و مترقی مشکلات است. اگر کسی می‌خواهد کتاب روان‌شناسی کودک برای معلمان و مربیان ایران بنویسد، باید کتابش براساس مطالعه کودک ایرانی - از پایتخت نشین تا روستازاده - باشد» (صمد بهرنگی، ۱۳۷۷: ۲۱).

در این گفتمان، مدرسه و کتاب‌های درسی مظهر اعمال قدرت حکومت و سوژه‌پروری هستند «لاکلا و موف معتقدند که قدرت و سیاست دو روی یک سکه‌اند؛ قدرت به تولید ابژه‌هایی از قبیل جامعه و هویت اشاره دارد و سیاست نیز به تصادفی بودن این ابژه‌ها. بدین ترتیب عینیت به جهانی اشاره دارد که آن را بدیهی می‌انگاریم، جهانی را که فراموش کرده‌ایم، جهانی که پیوسته ساخته قدرت و سیاست است (یورگنسن و فلیپس، ۱۳۸۹: ۷۴). اگرچه صمد در کسوت معلمی به کودکان دبستانی در ظاهر و به مردم کشورش در حاشیه می‌آموخت تا در برابر ظلم ایستادگی کنند اما نمی‌دانست که «ساخت طبقاتی ایران همچون کوبا، چین یا ویتنام نبود که اکثریت جمعیت را روستایی تشکیل می‌دادند و به علل تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی برای مبارزه انقلابی آمادگی داشته باشند و یا امکان بسیج آنها برای مبارزه مسلحانه پارتیزانی علیه حکومت مرکزی یا اشغالگران خارجی وجود داشته باشد» (بهرروز، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۴).

#### ب: روستا

روستا به‌عنوان محلی هویت می‌یابد که زندگی در شکل واقعی و سنتی آن جریان دارد و ساکنانش از راه فروش تولیدات دامی و کشاورزی خود امرار معاش می‌کنند. انتخاب روستا برای داستان موجد استعاره‌ای بزرگ در ساخت زبانی آن می‌شود. «استعاره وسیله‌ای برای بازنمایی جنبه‌ای از تجربه برحسب جنبه‌ای دیگر از آن است و به هیچ وجه منحصر به آن نوع گفتمان نیست که به‌صورت کلیشه‌ای مرتبط با آن فرض می‌شود. اما کلیه جنبه‌های تجربه را می‌توان برحسب هر تعداد استعاره و رابطه بین استعاره‌های بدیل که مورد توجه قرار می‌گیرند، بازنمایی کرد، چرا که استعاره‌های مختلف دارای وابستگی‌های ایدئولوژیک متفاوتی هستند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۳). راوی در آغاز داستان می‌گوید: «مدرسه ما فقط یک اتاق بود، سی و دو شاگرد داشتیم، مرا آخرهای پاییز آنجا فرستاده بودند، بچه‌ها دو سه ماه بی‌معلم مانده بودند، شاگردان را از صحرا و کارخانه قالی‌بافی به کلاس کشاندم، همه بچه‌ها که بیکار می‌ماندند، می‌رفتند به کارخانه حاجی‌قلی فرش‌باف» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۲۷). تمامی این گزاره‌ها، زیراستعاره روستا و محرومیت، فقر و بی‌عدالتی آموزشی در روستا به‌شمار می‌آیند. نکته مهم در هم‌ارزی استعاره‌های «کارخانه» و «روستا» عینیت یافتگی است و مردم روستا هم پذیرفته‌اند که این‌گونه باید باشد. گفتمان‌ها با تشکیل «زنجیره‌های هم‌ارزی» که در آنها نشانه‌ها مرتب می‌شوند و در تقابل با زنجیره‌های دیگر قرار می‌گیرند، هویت را به‌طور «رابطه‌ای» شکل

می‌دهند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۹۱). و گفتمان داستان «پسرک لبوفروش» می‌خواهد که این نگاه را در بین مردم تغییر دهد.

## ۵- هژمونی

حاجی‌قلی همچون پادشاهی است که اعمال‌کننده قدرت است و منابع دیگر قدرت هم وی را در رسیدن به اهدافش یاری می‌رسانند؛ کدخدای روستا، امنیه، کارگران و استادکارها نمایشی از منابع قدرت مویرگی مورد نظر فوکو هستند. کدخدا با داشتن جایگاه دولتی، پیشکاری حاجی‌قلی را می‌کند. وی به نمایندگی از حاجی‌قلی فرشایف برای وساطت به سراغ تاروی‌وردی و خانواده‌اش می‌آید. او نماینده یک تفکر است که عملی شده است. «زمانی که از بازتولید ایدئولوژی حاکم سخن به میان می‌آید، نقش نهادهای اجتماعی که تحت سلطه نظام حاکم هستند، بیش از پیش قابل توجه می‌گردد زیرا این نهادها رواج‌دهنده آن ایدئولوژی هستند و آن را بازتولید می‌کنند تا دیگران همواره حکم آن نظام و ایدئولوژی را بپذیرند (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). حاجی‌قلی برای هژمونیک کردن گفتمان خود، ابزارهای مختلفی را در اختیار دارد که هر کدام می‌تواند بر افزایش قدرت او تأثیرگذار باشد «یک گروه اجتماعی برتری خودش را از دو طریق آشکار می‌سازد: ۱- از طریق سلطه، ۲- از طریق رهبری فکری و اخلاقی...» (گرامشی، ۱۹۷۱: ۵۸). در داستان «پسرک لبوفروش» زمانی که تاروی‌وردی و خانواده‌اش در برابر رفتارهای حاجی‌قلی می‌ایستند، نگاه‌ها و پیچ‌مردمانی که با آنان همکار هستند، (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۱) آزارشان می‌دهد. امنیه، کارگران، استادکارها و کدخدا مظهر سوژه‌های پیش‌برنده گفتمان غالب و قدرت هستند و نشانه‌اش آن است که پس از اینکه حادثه‌ای در کارخانه اتفاق می‌افتد، هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهند و «در دهه‌های ۳۰ و ۴۰، یکی از منابع مهم اعمال قدرت گفتمان غالب، سازمان اطلاعات و امنیت کشور (تأسیس ۱۳۳۶) است» (فوران، ۱۳۷۷: ۳۶۶).

تاری‌وردی و خانواده‌اش برای براندازی گفتمان غالب و استقلال خود از جان مایه می‌گذارند. او درباره جریان درگیری خود با حاجی‌قلی می‌گوید: «آقا می‌خواستیم همانجا بکشیمش. کارگرها جمع شدند و بردندم خانه‌مان» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). نکته قابل توجه در گفتمان این داستان، توجه به استقلال در عمل است و قهرمان او کسی است که از هیچ‌کس برای رسیدن به هدف کمک نمی‌گیرد؛ مثلاً «یک بزی داشتیم. من و خواهرم به بیست تومن خریده بودیم. فروختیمش و با مختصر پولی که ذخیره کرده بودم، دو ماه را گذرانیدیم» (همان). او بیکار نمی‌ماند و «خواهرم رفت پیش زن نان‌پز و من هم هرکاری پیش آمد، دنبالش رفتم» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

## ۶- ساختارهای گفتمان مدار

از راهکارهای دیگر در تحلیل زبانی متن، بررسی واژگان به کار رفته در آن است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۱). ساختارهای گفتمان مدار، مشخصه‌های زبان‌شناختی یا جامعه‌شناختی خاصی هستند که دیدگاه اجتماعی (یا

ایدئولوژی) خاصی را منعکس می‌نمایند» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). که در اینجا به برخی از این راهکارها در گفتمان داستان اشاره می‌کنیم:

**۱-۶- نام دهی:** صمد از بین القاب فراوانی که می‌توانسته برای حاجی قلی فرشباف برگزیند، عنوان «حاجی» را برای ارباب برمی‌گزیند. «فرآیند نام‌دهی (Nominalization) عبارت است از انتخاب و کاربرد نام برای اشیا و فعالیت‌ها که منعکس‌کننده دیدگاه خاصی است و می‌تواند بار منفی یا مثبت داشته باشد» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). «حاجی» واژه‌ای است با بار ایدئولوژیکی سبب هژمونیک شدن گفتمان غالب گردیده است. لاکلا و موف معتقدند که اگر معنی بر دالی تثبیت شود، آن دال هژمونیک می‌شود و این تغییر سبب هژمونیک شدن کل گفتمان می‌گردد (لاکلا و موف، ۱۹۸۵: ۱۳۶-۱۳۲).

**۲-۶- استعاره:** در این داستان به‌جای استفاده از عنوان «کارگاه قالی‌بافی»، «کارخانه قالی‌بافی» را آورده تا واژه کارخانه در برابر کارگر نمود بیشتری برای موضوع فاصله طبقاتی به‌وجود آورد و استعاره‌ای را بنا نهاده است. همچنین نام‌گذاری داستان نیز خود استعاره‌ای در طلیعه آن به حساب می‌آید و باید تمامی گزاره‌هایی را که نشان‌دهنده فاصله طبقاتی، محرومیت و مبارزه هستند، زیرمجموعه این استعاره قرار داد. این داستان برای توصیف حالات درونی حاجی قلی از بین تمامی حیوانات، خوک را برگزیده است و استعاره‌ای دیگری را در داستان به‌وجود آورده که با نیت حاجی قلی سازگاری دارد. رومن یاکوبسن (۱۸۹۶-۱۹۸۲) برای زبان دو قطب استعاری و مجازی قائل است. در بُعد استعاری، عناصر زبان براساس رابطه شباهت جانشین هم می‌شوند؛ اما استعاره‌ای که در گفتمان مطرح است، اندکی متفاوت است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۳). خوک در نگاه دینی هم منفورترین حیوان است و تحریم خوردن گوشت آن در (آیات ۳ سوره مائده، ۱۴۵ سوره انعام، ۱۲۵ سوره نحل) آمده است و قرآن کریم حشر افراد لجوج را در قیامت که قلبشان مالا مال از رذائل اخلاقی است، در هیأت خوک می‌خواند (سوره مائده، آیه ۶۰). صفاتی چون بی‌غیریتی و بی‌بندوباری جنسی را از این استعاره مدنظر گفتمان رقیب است تا بتواند نقاط ضعف گفتمان غالب را برجسته نماید.

**۳-۶- روابط معنایی:** با توجه به شأن و کارکرد واژگان، می‌توان آنها را در دو نوع بی‌نشان و نشاندار طبقه‌بندی نمود. قسمت اول حکم واژگان هسته‌ای را دارد. واژه‌های بی‌نشان تنها نمادی از واقعیت است و به مصادیق ذاتی یا تجریدی اشارت دارند. اما واژه‌های نشان‌دار علاوه بر اشاره به یک مصداق خاص، نگرش گوینده و نویسنده را نیز در خود جای داده‌اند (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۶۰-۵۹). در داستان «پسرک لیوفروش»، در توصیف حاجی قلی از واژگان نشان‌داری چون «عین یک خوک گنده» و «چاق و خپله» استفاده کرده است و گاه برای آنها اتبعای ذکر کرده، مانند «پیر و پاتال» و یا صفتی برای آن آورده است مانند «پیرکفتار» (بهرنگی، ۱۳۹۴: ۱۳۳-۱۳۲).

۴-۶- ارزش رابطه‌ای واژگان: ارزش رابطه‌ای عبارت است از وجود جابجایی نحوی در برخی از جملات و استفاده از واژه‌ها و عبارات محاوره‌ای مانند: « قشقرق راه انداختن، پول پیشکی، بش بگویم بیاید تو، می‌خواهم باشان قوم و خویش بشوم، حالا بت نشان می‌دهم که با کی طرفی»، (بهرنگی، ۱۳۹۴) دارای ارزش رابطه‌ای هستند و «ارزش رابطه‌ای در تحلیل انتقادی گفتمان، به این سؤالات پاسخ می‌دهد: آیا عباراتی وجود دارند که دال بر حسن تعبیر باشند؟ آیا کلماتی وجود دارند که آشکارا رسمی یا محاوره‌ای باشند؟ کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ در کلمات از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۲).

از مجموعه مواردی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت چنین برمی‌آید که یکی از جریان‌های روشنفکری دهه‌های سلطنت محمدرضا پهلوی بر این عقیده است که بایست در برابر طبقه سرمایه‌دار که تنها با داشتن سرمایه، نیروی انسانی را به سخره می‌گیرد، ایستادگی کرد. این افراد ذره‌ای از اهداف خود پا پس نمی‌نهند و هیچ شرطی را نمی‌پذیرند و جز به از بین رفتن گفتمان غالب به چیز دیگری راضی نمی‌شوند. اگر به آثاری که همزمان با این داستان در دهه ۱۳۴۰ منتشر شده است، نگاهی بیفکنیم، به تک صدایی بودن گفتمان این داستان در بین آثار معاصرش پی خواهیم برد، اگرچه نویسندگان دیگر، از موضوعات مشابه این داستان استفاده کرده‌اند اما نه دعوت و تحریکی در میان است و نه امیدواری، فقط به توصیف فقر و فلاکتی که مردم گرفتار شده‌اند، پرداخته‌اند. بهرنگی کودک و نوجوان را برای آموزش رهایی از جور و ستم می‌خواست و حاضر نبود نه خودش و نه دیگران، بندی طبقه بورژوا را بکنند و در مفهوم جهانی آن، بایست نام او را در زمره نویسندگان ادب پایداری آورد.

## ۷- نتیجه‌گیری

گفتمان‌های غالب و رقیب دوره حکومت محمدرضا پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۵۷) دارای ظرفیت‌هایی متنوعی هستند که هریک در برابر گفتمان مخالف از ابزارهای طرد و به حاشیه‌رانی دیگری استفاده می‌کنند. مهمترین گفتمان‌های غالبی که از سوی حاکمیت رواج دارند، عبارتند از: ۱- تلاش برای احیای عظمت گذشته (گرایش به ناسیونالیسم و نام کتاب‌هایی از محمدرضا پهلوی با عنوان «مأموریت برای وطنم، ۱۳۳۹»)، ۲- ایجاد رفاه اجتماعی و انجام دادن اصلاحات اجتماعی و اقتصادی (مانند تأسیس بانک رفاه کارگران و اصلاحات ارضی و کتابی با عنوان انقلاب سفید، ۱۳۴۵)، ۳- پیشرفت و مدرنیسم (نمونه: کتابی از محمدرضا پهلوی به نام به سوی تمدن بزرگ، ۱۳۵۵). آنچه که انگیزه برای بروز گفتمان رقیب شده است، اهداف و خرده گفتمان‌هایی است که حاکمیت در لوای این اقدامات پیگیری می‌کرد و بر هژمونیک شدن آن می‌افزود.

گفتمان‌های رقیب نیز سعی دارند که نقاط قوت خود و نقاط منفی گفتمان غالب را برجسته نمایند. آنچه که در بین این گفتمان‌ها مشترک است، عبارت است از: داشتن روحیه مسالمت آمیز و روند حرکتی مرحله به مرحله و حداکثر نقد امور. شکل‌گیری گفتمان‌های رقیب در بین احزاب و نهادهای سیاسی و مردمی و حتی

دولتی دیده می‌شود که خود نیز تحت تأثیر خرده گفتمان‌های دیگری مانند: گفتمان دینی، ملی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی هستند.

یکی از گفتمان‌های شاخصی که در عصر پهلوی و خصوصاً در دهه ۱۳۴۰ به وجود می‌آید و با سایر گفتمان‌ها تفاوت اساسی دارد، گفتمانی است که مارکسیست‌ها و گروه‌های چپ و راستی چون صمد بهرنگی و نویسندگان اسلامی با برجسته‌سازی نظام طبقاتی جامعه و تقابل فقر و غنا، در برابر گفتمان مسلط بر جامعه می‌پروراندند و با زبان تمثیل و نماد موضوع مبارزه مسلحانه و نفی وضعیت موجود را مطرح می‌کنند. صمد بهرنگی موضوعات اجتماعی عصر خود را در قالب داستان‌های کودک و نوجوان به روایت گذاشته و برخلاف گفتمان خنثی و توصیفی حاکم بر بیشتر آثار معاصرانش، مخاطبان خود را به مبارزه و تغییر در نظام حاکم برمی‌انگیزد. با توجه به الگوی تحلیل گفتمان لاکلا و موف، گرایش سیاسی - اجتماعی صمد بهرنگی سهم عمده‌ای در به چالش کشیدن تحولات اجتماعی و اقتصادی مهمی چون برنامه اصلاحات ارضی و پیامدهای آن داشته است. همچنین در این داستان، بروز گفتمان رقیب در قالب برخی ابزارهای تحلیل گفتمان چون برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی، غیریت‌سازی و استراتژی‌های زبانی دیده می‌شود.

## منابع

- قرآن کریم.
- آبراهامیان، یراوند (۱۳۹۵)، *ایران بین دو انقلاب*، مترجمان احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آفاکل زاده، فردوس (۱۳۸۵)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آل احمد، جلال (۲۵۳۶)، *در خدمت و خیانت روشنفکران*، تهران: انتشارات رواق.
- بهرنگی، اسد (۱۳۷۹)، *برادرم صمد*، تبریز: نشر بهرنگی.
- بهرنگی، صمد (۱۳۷۷)، *کندوکاوی در مسائل تربیتی ایران*، تهران: صدای معاصر.
- بهرنگی، صمد (۱۳۹۴)، *قصه‌های بهرنگ*، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ سوم.
- بهروز، مازیار (۱۳۸۰)، *شورشیان آرمانخواه*، مترجم مهدی پرتوی، تهران: انتشارات ققنوس.
- دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل (۱۳۹۲)، *میشل فوکو (فراسوی ساختگرایی و هرمنیوتیک)*، مترجم حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۲)، *مبانی نظریه جامعه شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، مترجم شهناز مسمی پرست، تهران: انتشارات ثالث، چاپ دوم.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان*، تهران: نشرنی.
- صافی پیرلوچه، حسین (۱۳۹۵)، *درآمدی بر تحلیل انتقادی گفتمان روایی*، تهران: نشر نی.



- غلامی، مجاهد (۱۳۹۵)، *نوشتن از روی دست زندگی*، تهران: نشر نون.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، مترجم مجموعه مترجمان، تهران: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول.
- فوران، جان (۱۳۷۷)، *مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)*، مترجم احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.
- کوش، سلینا (۱۳۹۶)، *اصول و مبانی تحلیل متون ادبی*، مترجم حسین پاینده، تهران: انتشارات مروارید.
- گرامشی، آنتونیو (۱۳۵۶)، *آثار برگزیده*، مترجم عباس میلانی، ایتالیا: نشر بابک.
- لاکلو، ارنستو و شنتال موفه (۱۳۹۲)، *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی دمکراتیک*، مترجم محمد رضایی، تهران: نشر نی.
- محمدی، جمال (۱۳۸۸)، *درباره مطالعات فرهنگی*، تهران: نشر چشمه.
- محمودی، جلیل و سعیدی، ناصر (۱۳۸۱)، *شوق یک خیز بلند، نخستین اتحادیه های کارگری در ایران*، تهران: نشر قطره.
- ماریک، ایرناریما (۱۳۹۰)، *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*، مترجمان مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۶)، *فرهنگ داستان نویسان ایران*، تهران: نشر چشمه.
- میلز، سارا (۱۳۸۹)، *میشل فوکو*، تهران: نشر مرکز.
- ناهیدی آذر، عبدالحسین (۱۳۸۸)، *تجار و دهقانان ایران در عصر مشروطه‌خواهی*، تبریز: انتشارات اختر.
- نش، کیت (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، مترجم محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳)، *درآمدی به گفتمان‌شناسی*، تهران: هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)، *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*، تهران: هرمس.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، تهران: نشر نی.
- Foucault, M. (1972), *The Archaeology of Knowledge*. London: Routledge.
- Foucault, M. (1979), *Discipline and Punish: the Birth of the Prison*. New York. Vintage/Random House.
- Hooglund, Eric, (1973), *The Khwushnishin Population of Iran*, Iranian Studies, volume 6, (Autumn) 229-245.
- Howarth, D. (2000), *Discourse*. UK: Open University Prees.
- Laclau, E. (1993), *Discourse*, in R.Goordin and P.Pettit (Eds), *The Blackwell Companion to Contemporary Political Philosophy*. Oxford: Blackwell.
- Laclau, Ernesto and Mouffe, Chantal (1985), *Hegemony and Socialist Stateegy: Towards a Radical Democratic Politics*, trans. Moore, Winston and Cammack, Paul, Verso, London.
- Laclau, E. (1990), *New Reflections on the Revolution of Our Time*. London: Verso.
- Smith, M. (1998), *Laclau and Mouffe: the Radical Democratic Imaginary*. London: Routledge.